



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

به: جناب آقای رضا پهلوی

موضوع: پیشنهاد تغییر در رویکرد سیاسی

با درود و احترام،

این شورا به عنوان نهادی بدون گرایش حزبی و متمرکز بر سازماندهی اپوزیسیون یکپارچه در مقابل رژیم جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته با دقت فراوان نظاره‌گر فعالیت‌ها و مواضع سیاسی شما بوده است. سرمایه‌ی اجتماعی و اعتمادی که پیرامون نام شما شکل گرفته، ظرفیت ارزشمندی برای اپوزیسیون ایران فراهم آورده است. این جایگاه، همان‌گونه که آگاهید، مسئولیت بزرگی را بر دوش شما می‌نهد؛ به‌گونه‌ای که هر ضعف در شفافیت، پاسخ‌گویی و کارآمدی، مستقیماً به فرسایش اعتماد عمومی نسبت به کل اپوزیسیون خارج از کشور منجر می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید، نه صرفاً نقد، بلکه مجموعه‌ای از مشاهدات و پیشنهادهای صادقانه است که بر پایه نگرانی مشترک برای تقویت جنبش آزادی‌خواهی ایران مطرح می‌شود. امیدواریم این نکات با نگاه سازنده مورد توجه قرار گیرد.

وجه مشترک بسیاری از تجربه‌های اخیر، اتکای بیش از حد به محوریت فردی و فقدان نهادسازی پایدار بوده است. ابتکارها به‌جای آنکه بر ساختارهای جمعی، تقسیم مسئولیت و سازوکارهای پاسخ‌گو استوار شوند، عمدتاً به اعتبار شخص شما متکی مانده‌اند. در نتیجه، پروژه‌ها شخص‌محور شده و با تضعیف همان محور، کل سازوکار نیز متوقف شده است. این الگو هرچند در مقاطعی دستاوردهای رسانه‌ای و نمادین مهمی داشته، اما در بلند مدت پایدار نمانده است. به عنوان نمونه،

- کارزار «من وکالت می‌دهم» با وجود بازتاب رسانه‌ای گسترده، به دلیل فقدان تعریف دقیق اهداف، سازوکار اجرایی نتوانست از سطح یک حرکت نمادین فراتر رود. در آن مقطع، شما به‌عنوان مخاطب و محور این کارزار، این امکان را داشتید که با تبیین چارچوب‌ها، رفع ابهامات و طراحی سازوکار عملی، اشکالات موجود را برطرف کرده و نیروی اجتماعی شکل‌گرفته پیرامون آن را به‌صورت هدفمند و موثر هدایت کنید.

- تشکل «همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران» نیز در آغاز امید به همگرایی واقعی را تقویت کرد، اما فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری، اطلاع‌رسانی محدود (با توجیحات امنیتی)، اعتماد عمومی را تضعیف کرد و در نهایت به فروپاشی زودهنگام انجامید. در آن مقطع انتظار می‌رفت شما به‌عنوان چهره‌ی شاخص در شورا، با به کار گیری توان رهبری و مدیریت بحران، مسئولیت هدایت و مدیریت اختلافات را به‌طور مستقیم بر عهده بگیرید. نهادی که مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد، ناگزیر است با شفافیت، خود را در معرض قضاوت همان مردم قرار دهد.

- طرح «شکوفایی ایران» نیز ایده‌ای ارزشمند برای تدوین چشم‌انداز ملی بود، اما در اجرا مسائلی همچون شتابزدگی در تدوین، محدود بودن مشارکت کارشناسان مستقل، مدیریت غیرشفاف داده‌ها و انتشار آمارهای ناقص بر اعتماد بخشی از جامعه تاثیر گذاشت. افزون بر این، این طرح نتوانست ارتباطی فراگیر با همه‌ی اقشار و مناطق کشور برقرار کند؛ در حالی که با تأکید بر تمامیت ارضی، مدعی جلب مشارکت ایرانیان سراسر کشور در فرآیند سازماندهی و تصمیم‌سازی بوده است.



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

- در حوزه‌ی سیاست خارجی نیز فقدان یک سازمان منسجم و ساختارمند آشکار است و این عرصه عملاً به صورت فردمحور اداره شده است. با توجه به آن که شما پیش‌تر بر مسئولیت اجتماعی-سیاسی و مأموریت خود تصریح کرده‌اید، انتظار می‌رود در این حوزه نیز نهادی منظم و کارآمد بنیان‌گذاری کنید تا در بزنگاه‌های بحرانی، توان جلب و تأمین حمایت بین‌المللی از مردم ایران را داشته باشد.
  - مواضع جنابعالی درباره سپاه پاسداران نیز قابل توجه است؛ همانگونه که در جنگ جاری نیز شاهد هستیم، سپاه ستون اصلی ساختار رژیم کنونی است و هرگونه بحث در مورد حضور اعضای آن در فرایند آزادسازی ایران یا حضور در ساختار نظامی آینده، باید با اولویت پاسخ‌گویی در مقابل سیستم قضایی آینده، بررسی سوابق و حفظ امنیت عمومی همراه باشد تا اعتماد جامعه آسیب نبیند.
  - در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، با وجود شجاعت بی‌نظیر مردم، اپوزیسیون از نظر سازمان‌دهی و پشتیبانی عملی آمادگی لازم را نداشت. در چنین شرایط حساسی، فراهم‌سازی زیرساخت‌های حمایتی پیش از صدور فراخوان‌های گسترده و نیز اتخاذ رویکرد صبر تاکنیکی برای کاهش هزینه‌های انسانی، می‌توانست واقع‌بینانه‌تر و موثرتر باشد. همچنین فاصله میان برخی برآوردهای پیشین (مانند اشاره به نیروهای ریزشی) و واقعیت میدانی، پرسش‌هایی را درباره درستی آمارهای ارائه‌شده برانگیخت.
  - در همین دوره، هنگامی که احمد باطبی و مسیح علی‌نژاد در شورای امنیت سازمان ملل شرایط مردم ایران را بازتاب دادند، انتظار می‌رفت فارغ از اختلاف دیدگاه‌ها و در نخستین ساعات، نشانه‌ای از هم‌افزایی و تأیید علنی نیز از طرف شما مشاهده شود. اعتبار یک مبارزه‌ی ملی زمانی تقویت می‌شود که سهم همه‌ی مشارکت‌کنندگان به رسمیت شناخته شود، نه آنکه به نام یک فرد یا جریان محدود گردد.
  - مشکل شخص‌محوری در حوزه‌ی رسانه، ارتباطات و سازمان‌دهی نیز بازتولید شده است<sup>۱</sup>. تمرکز بیش از حد بر نام و پیشینه‌ی فردی و خانوادگی جنابعالی، به جای معرفی تیم‌های تخصصی، ابتکارها را فردمحور کرده است. افزون بر آن، ضعف در نظارت بر نزدیکان و افراد مؤثر، به بروز رفتارهایی چون حملات شخصی، تخریب حیثیتی و نسبت دادن برچسب‌های تحقیرآمیز یا جنسیتی به دیگر کنشگران انجامیده است. چنین رویکردی فضای گفت‌وگوی سیاسی را تخریب کرده و عملاً به سود رژیم تمام می‌شود. پیشگیری از این وضعیت مستلزم انضباط و مسئولیت‌پذیری تشکیلاتی است.
  - در سخنرانی‌ها، شعارها و مصاحبه‌های جنابعالی و حامیان‌تان در جریان رویداد اخیر کنفرانس مونیخ، نشانه‌ای از رویکردی فراگیر و همبستگی فرا جناحی مشاهده نشد. این نحوه کنش از سوی شما و تیم‌تان عملاً فضا را به سمتی سوق داد که به جای تقویت همگرایی، فعالان سیاسی در قالب گروه‌های کوچک‌تر که دستور کار اغلب آنها با یکدیگر همپوشانی دارد اعلام حضور نمایند.
- علاوه بر موارد فوق، ادعای ایفای نقش «فراجناحی» و نمایندگی کل جنبش، با واقعیت جایگاه، چشم‌انداز سیاسی و عملکرد شما قابل جمع نیست. حضور شما یا خانواده‌تان به‌عنوان گزینه‌ای مشخص در بحث‌های حکمرانی آینده، با چالش تعارض منافع همراه است. این دو نقش، ماهیتاً متعارض‌اند و تداوم این ابهام می‌تواند به تضعیف اعتماد



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

عمومی و سردرگمی نیروهای سیاسی بینجامد. پیشنهاد مشخص ما این است که جنابعالی بر سازمان‌دهی و تقویت جبهه پادشاهی‌خواهی (به‌عنوان یک جریان مشخص) تمرکز نمایید و جایگاه خود را در هم‌ترازی، همکاری و همراهی در کنار دیگر مبارزان راه آزادی بیابید. این رویکرد می‌تواند مرز مسئولیت‌ها را روشن‌تر سازد، امکان نهادسازی پایدار در گستره داخلی و بین‌المللی را فراهم کند و از تعمیم ضعف‌های یک جریان به کل اپوزیسیون جلوگیری نماید.

در پایان لازم به یادآوری است که وظیفه‌ی فعالان سیاسی خارج از کشور بیش از آنکه رهبری مستقیم باشد، ایجاد شرایطی قابل اتکا برای توانمندسازی نیروهای داخل کشور و بازتاب صدای آنان در سطح جهانی است. پراکندگی و تعلیق کنونی تا حد زیادی ناشی از ضعف همکاری، رفتارهای تخریبی و فقدان یک دکترین روشن است و هزینه‌ی آن را مردم داخل کشور با جان و مال خود می‌پردازند.

امید آن است که با بازنگری در ساختار اندیشه و تشکیلاتی خود، به گونه‌ای عملی‌تر مسیر وحدت ملی، شفافیت و اعتمادسازی را هموار سازید. این شورا همچون گذشته، آماده هرگونه گفت‌وگو و همکاری سازنده با تمام فعالان و کنشگران در راستای دستیابی و نهادینه کردن آزادی در ایران است.

با احترام

سیروس ارغوان

شورای همبستگی آزادی برای ایران

۹ فروردین ۱۴۰۵